

این سایت به هیچ گروه ، سازمان و حزب سیاسی وابسته نیست

## چگونه می توان بر علیه اعتیاد به مواد مخدر مبارزه کرد؟

شیردل- ۱۸ نوامبر ۲۰۰۶

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی مرکز درآمد تجارت وارداتی و تولیدی تریاک و هروئین می باشد . عکسهای زیر بخشی از چهره اعتیاد برده شده در میان مردم است . چرت زدن، خماری ، هپروت و به رویای چرسیان رفتن در فرهنگ اسلامی تاریخ طولانی دارد. اعتیاد و خود فروشی دمل چرکین سفلیس در پیشانی علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی است که سالها بیرون زده است و باقی است. ننگ و مرگ بر شما مدعیان مبارزه با استعمار و فرهنگ آن که سردهسته بسیجی ها چون بابا کرم ، پاسداران ، مامورین امنیتی لباس شخصی پوش و مداحانی چون هلالی می باشند که بساط قلیان طلایی آنان آماده و در کنار آن دراز کشیده و یا در کنار کتاب دعا و قرآن سرنگ به خون آلوده و مصرف شده از هروئین دیده می شود.

فرهنگ اعتیاد، فرهنگ استعماری است . این فرهنگ تبلیغ کننده بازار پیدا کردن کالا مرگ برای میلیون ها مردم ایران است. انحصار فروش آن در دست امپریالیسم آمریکا و تشکیلات پخش و فروش آن در دست سازمان سیا و فنودالهای حاکم در کابینه دولت کر زای صاحبان مزارع کشت تریاک می باشند. این سوداگران مرگ بنا بر خواست جمهوری اسلامی ، توسط دلال های سازمان سیا هزاران کیلو تریاک از طریق استان خراسان که در هم کناری مرزی با افغانستان است وارد می کنند. بسیجی ها ، پاسداران ، اوباش های نظام ، همراه با روحانیون نماز جمعه خوان ، باند های رقیب در مناطق مرزی را تشکیل داده اند. به آمار اعتیاد در استان خراسان نگاه کنید و خواهید دید که چگونه جوانان و نیروهای فعال جامعه را رژیم جمهوری اسلامی آلوده و در چنگال اعتیاد به سمت دره مرگ می برد. غبار خاک سفید شرق تهران ، امروز، نه تنها در تهران، بلکه در تمام ایران پخش گردیده است. در هر محله غم که بیکاری ، فقر ، بیماری ایدز حاصل برخواسته از سرنگ تزریق و خود فروشی اجباری است ، خانه گزیده است . رنجی است غیر قابل تحمل برای هر انسان با شرف که زندگی و عشق به آن را دوست دارد. ولی در نظام جمهوری اسلامی اعتیاد بخشی از زندگی روزمره مردم است و هر روز در برخورد مستقیم با آن می باشند. صد ها هزار از جوانان ما معتاد و بخش بزرگی در پشت میله های زندان قرار دارند.

کجاست آینده ای برای آن نسل فنا شده ، که هر روز شاهد غروب زندگی او در خیابانهای شهرهای بزرگ و کوچک می باشیم. اجساد آنان سرد و در خیابان ها به جای مانده و بر روی صورتنشان مقوای متروک و یا روزنامه ای گذاشته ، که دیده نشوند. آیا می توان از دیدن این صحنه ها ناراحت نشد و از کنار آن گذشت؟

عکاس تهیه خبر به دنبال ماجرای بود و به راحتی می داند که در بسیاری از خیابانها می توان چنین صحنه های را پیدا نمود . عاقبت موضوع خود را پیدا نمود و او را در مقابل عدسی دوربین خود قرار داد . عکسهای ذخیره شده سندی است از یک لحظه از زندگی جوانی که معتاد است . آن تصاویر در مغز ما خواهد ماند و تاثیرات بسیاری خواهد گذاشت و شاید برای عده ای از مردم تبدیل به مسائل عادی و روزمره گذشته و سر خود را بر گردانده و به دنبال کار و زندگی روند ، ولی هر انسان که قلبش می تپد و به زندگی عشق میورزد ، از دیدن چنین صحنه های سخت متاثر می شود و به فکر فرو می رود . برای ما هم رنج بسیاری است به این صحنه ها چشم اندازیم.

کوشش می کنیم پژواک خشم خلق مان را برای انتقام گیری در چند سطر نوشته شده ، در فاصله هزاران کیلومتر بیان کنیم و پیامی برای مردم خودمان داشته باشیم و بگوئیم ، تغییر سرنوشت شما به دست خود شماست. نه از دلسوزی های فریب گرانه گروه های مزدور و وابسته به امپریالیسم آمریکا و صهیونیست در لباس اپوزسیون در پشت دوربین تلویزیونهای لوس آنجلسی نشسته اند و اشک تمساح برای مردم ما می ریزند. دوران رژیم کودتای محمدرضا شاهی ، اعتیاد ، منقل و قلیان تریاک و گرد هروئین و سرنگ تزریق وسیله روزمره در دربار شاه بود . خشخاش به وسعت فراوان ، در استان همدان ، کرمان شاهان ، خراسان کشت می گشت و اسناد بسیاری موجود است. شاه مافیای

صادرات هروئین به خارج از کشور بود. هویدا نخست وزیر او همراه عده ای از درباریان در فرودگاه سویس به خاطر حمل چمدان های پر از هروئین دستگیر شدند. رضا پهلوی، خاله او اشرف پهلوی، ژنرالها و سرهنگ های فراری ساواک، میراث دار سنت تریاک و هروئین می باشند. بخشی از پخش هروئین و تریاک در بازار اروپا و آمریکا در دست آنهاست. بعضی از فروشگاه های سلطنت طلبان در کار فروش ارز، مواد غذایی غارت شده و کتابهای بنجل جمهوری اسلامی می باشند و در روی میز خود روزنامه کیهان لندن قرار داده اند، مراکز پخش مواد مخدر می باشند انحصار کیوسک و مغازه ها را در دست دارند و تاکنون تعداد زیادی از این سوراخهای پخش مواد مخدر، در اکثر دعوا های داخلی بر سر پول آن لو داده شده و تعطیل گردیده اند. صاحبان آن دهه ها بهترین کمک کننده به راسیستها و فاشیست ها برای تبلیغات بر علیه مهاجرین می باشند و بهترین بهانه را بدست دولتهای کشورهای امپریالیستی در اروپا و آمریکا می دهند، تا شرایط زندگی را با تصویب قوانین ضد مهاجرت سختتر کنند. در پشت دلسوزی های فریب دهنده که هر شب از تلویزیون های سلطنت طلبان پخش می شود، فکر غارت و چپاول نفت ایران و گرفتن بازار فروش مواد مخدر در دست خود در سر می پروراندند. زهی خیال باطل

اعتیاد در میان دانش آموزان و دانشجویان رایج گردیده و مدارس کشور محل آغاز اعتیاد می باشد. آغاز آن با سیگار کشیدن، سپس مصرف حشیش و عاقبت نوبت رسیدن استعمال هروئین است. خوشبختانه در کشور ما در میان جوانان نوشیدن الکل چندان متداول نیست. زیرا مراکز تولید نوشابه الکلی وجود ندارد و تنها از طریق وارد کردن، به صورت غیر علنی در میان بساط دستفروشان خیابانی در کنار سی - دی خوانندگان موسیقی پاپ، کارت بازی، سیگار قاچاق دیده می شود.

در پایان باید قید گردد که ویرانی جامعه و آلوده کردن فرهنگی توسط رژیم های سرمایه داری تبلیغ می شود. این مصیبت و یا آفت اجتماعی دارای محیط کشت و رشد بوده و آن در میان خانواده های محروم و رانده شده به حاشیه اجتماع می باشد. خانواده هایی که در اثر بیکاری، دچار فقر شده و هیچگونه راه برای خروج از آن برای آنان نیست. فحاشی، خشونت و تنبیه بدنی وسایل از میان بردن خانواده و فرار کودکان، جوانان، دختران و پسران از آن است. آنان گرما و محبت را در جای دگر در کنار منقل، در میان جمع معتادین پیدا می کنند و شخص معتاد در راه ادامه بدست آوردن مواد مخدر به سوی کیف زدن، دزدی کوچک و عاقبت به سمت جرایم بزرگتر، مانند؛ فعالیت در تیم های بزرگ و کوچک در سرقت اتومبیل، دزدی خانه های بورژواها، حتی به سوی جنایت کشانده می شوند.

رژیم جمهوری سرمایه داری اسلامی در ایران، همانند، تمام کشورهای سرمایه داری برای دوری از خشم مردم، معتادین را از جامعه دور کرده و به محلهای پرت، ساختمانهای ویران شده، زیرا پلها برده و حتی با اجبار آنها را منتقل می کند. پلیس و مافیای مواد مخدر توسط پخش کنندگان کوچک، کنترل این مناطق را در دست دارند. مناطق حاشیه نشین و مناطقی که به صورت سنتی سالهای طولانی نه رنگ آبادانی؛ ایجاد مدرسه، دبیرستان، کارخانه و محل تولید برای ایجاد کار، کتابخانه، سالن ورزشی، درمانگاه، بیمارستان، شیرخوارگاه و مخصوصا محلهای حفاظت ایمنی و درمانی برای معتادان به خود ندیده اند، مرکز آفت پذیری اعتیاد می باشند. بخشهایی بزرگی از محلات قدیمی و حاشیه نشینی از کلان شهرهای ایران، آماده پذیرش به خود داشته و مخصوصا در نقاطی که اکثریت مردم آن، بیکار، فقیر و گرسنه اند.

برای معرفی علت و عامل آفت اجتماعی در کشور ما، باید ساختار اجتماعی جامعه که سرمایه داری است و دولتی که حافظ منافع سرمایه داران است، آدرس داد. زیرا مواد مخدر و مشروبات الکلی کالای فروش در بازار می باشند و یکی از مراکز پر درآمد برای سرمایه داران است و دولت با داشتن سه ارگان قدرت، برای آنان امکانات و راه های گوناگون را توسط بند و پاراگراف های قوانین جزایی آزاد گذاشته، تا بتواند این شاخه در آمد در اختیار خود و مافیای مواد مخدر قرار گرفته و به کار ادامه دهند.

نمیتوان تنها با تعمیر کردن اجتماع توسط مدد کاران اجتماعی، مشکل جامعه را حل نمود. رژیم جمهوری اسلامی مانند تمام کشورهای زیر سلطه و وابسته در زیر شلاق بانک جهانی و صندوق بین المللی پول قرار دارد. باید تمام پروژه گسترش بیکاری را با تعطیل نمودن هزاران کارخانه و ایجاد بیکاری میلیونی، لاغر نمودن دولت و از بین بردن بودجه های رفاه و کمک اجتماعی، به اجراء در آورند. دولت هزینه ای برای رسیدگی به وضع معتادین خرج نمی نماید. دولت سرمایه دار به فکر کمک به سرمایه داران و خصوصی نمودن تمام موسسات و دستگاه های دولتی می باشد. پلیس، ارتش، بیمارستان، درمانگاه، خدمات شهرداری و کمک رسانی به بخش خصوصی سپرده می شود. رژیم جمهوری اسلامی صحبت از کمک به مردم می کند. در حقیقت سرویس های ایجاد شده مراکز درآمد برای خالی نمودن آخرین پول در جیب خانواده های است که افراد آن معتاد می باشند و آن پول توسط قرض و فروش خانه و یا وسایل آن برای معالجه بدست آورده اند. مدد کاران اجتماعی در موسسات و سرویس های خدماتی خصوصی فعالیت می کنند و در شکل پروژه های مختلف با آسیب دیدگان در ارتباط هستند. دولت بودجه ای برای آنان در نظر

گرفته و بقیه مخارج حاصل از درآمدی است که توسط درمان و مددکاری بدست می آورند. پس در این بخش خصوصی کسی حاضر نیست سرمایه گذاری کند و دارای درآمد سرشاری نیست و کارکنان این موسسات سخت ترین کارهای مرمتی را انجام داده و کمترین حقوق برای آنان در نظر گرفته اند. نه تنها این تدابیر خصوصی سازی در جمهوری اسلامی به کار گرفته شده، بلکه رژیم مقلد واقعی و اجباری از پروژه های اجرایی در کشورهای اروپایی و آمریکا می باشد.

## پس باید به دنبال کدام راه حل رفت؟

تنها آلترنا تيو را رفقای سایت ایرانی ما ، در براندازی رژیم جمهوری اسلامی می بینند. عامل تمام بدبختی مردم کشور ما و ایجاد و شرایط آماده نمودن آفت های اجتماعی در ساختار جمهوری سرمایه داری اسلامی دید. غارت درآمد حاصل از فروش نفت ، گاز و دیگر ثروت طبیعی کشور ما ، نیروی کار ارزان و با مزد برای گرسنگی بدست آمده به جیب روحانیون سرمایه دار ریخته می شود. پیگرد پلیسی، زندان ، شکنجه ، چوب های دار و میدانهای تیر برای جلوگیری از قیام مردم آفت و آسیب دیده می باشد. برای بریدن زبان و ریختن سرب مذاب در دهان و کلاهی مردم که نیروهای انقلابی و در راس آن کمونیستها قرار دارند ، از هر جنایتی دریغ نمیکنند. از آغاز جان گرفتن این نظام استبداد ، جنایت و ترور به خاطر دفاع از حقوق مردمان تحت سخت ترین مجازات قرار گرفته ایم و جنایتی که رژیم جمهوری اسلامی در کشتار کمونیست های ایران انجام داده است بی نظیر از اول انقلاب تا کنون می باشد و همه از آن مطلع می باشیم.

پس اعتماد مردم ایران به نیروها ، سازمانها و احزاب کمونیست بسیار زیاد است . این نیرو هر چند از گونه کمی در ایران به خاطر شرایط خفقان چندان امکان فعالیت ندارند ، ولی با انرژی به کار آگاهی و تشکل توده کار و رنج با حوصله و دقت بسیار مشغولند و رشد آنان در آینده گسترده تر خواهد بود .

تلویزیون ، رادیو ، روزنامه ها در خارج از کشور در دست نیروهای مزدور و ایادی امپریالیسم می باشد. سلطنت طلبان ، مشروطه چیان ، یار امپریالیسم آمریکا بوده . از سازمان سیا و از صهیونیست های اسرائیلی پول دریافت می کنند . حزب " کمونیست " کارگری ، ماهیانه میلیون ها دلار کمک مالی برای مخارج ایستگاه تلویزیون و رادیو می پردازد. این پول ها از کجا می آورد و مراکز دریافت پول از کجا می باشد؟ آیا جمعیت کوچکی از مهاجرین و پناه جویان که با هزینه کمک های اجتماعی شکم خود را سیر می کند ، می تواند این مخارج سنگین را تهیه نمایند؟ این گروه سیاسی ور شکسته و به اصطلاح چپ و با نام " کمونیست " از کدام منبع مالی تغذیه می شود؟

پس بدین خاطر ما کمونیستها در داخل ایران ناشناخته می باشیم و علت های آنرا نام بردیم. اگر مقالات ما بدست خوانندگان در داخل کشور رسد، بهترین طریق برای آگاهی طبقاتی و اجتماعی می باشد. کمونیستها راه تشکل و مبارزه را نشان می دهند . این وظیفه شماسست برای پاره نمودن زنجیرهای بردگی از نظام جمهوری اسلامی برای رهایی از آفت کوچک که اعتیاد است و آفت اصلی و خطرناک بر علیه زندگی و آینده ما است و همانا رژیم جمهوری اسلامی است ، متشکل شده و به یخیزیم ، تا رژیم را سرنگون نماییم.

جامعه آینده ما ، مدرن است . تلاش و کار برای زندگی به جای استثمار ، بهره کشی و قدرت پول می نشیند و حکومت محرمان و هیچ بودگان میلیونی که اکثریت جامعه را تشکل می دهند بر پا می شود. آزادی واقعی را توسط خود مردم، با شناخت به حقوق یکدیگر و رفتار شان برای حمایت و دفاع از دولت سوسیالیستی تنظیم می کنند . مردم برای ساختن جامعه شرکت فعال دارند و همه را تشویق می کنند که در امر شرکت در کار برای تغییرات وسیع اجتماعی دخالت نموده و هر منطقه بدست خود مردم دگرگون شود و شوراها کارگری ، دهقانی، دانش آموزی ، دانشجویی ، کارمندی ، سربازان و درجه داران و غیره در تحت حمایت و رهبری حزب کمونیست و دولت کشور سوسیالیستی می باشد. نیازهای مردم در شورا ها بررسی بوده و کار دولت فراهم نمودن و هموار نمودن امکانات برای کمک رسانی به طرح و پروژه های کوچک و بزرگ برای مردم و توسط خود آنان می باشد. کار در جامعه سوسیالیستی ننگ نیست ، بلکه افتخار است. زیرا اجبار برای فروش نیروی کار و شکم سیر کردن در میان نیست. بلکه عشق و علاقه به کار برای ایجاد آن جامعه می باشد. ساختمان سوسیالیسم یعنی ایجاد کارخانه با تعداد زیاد برای رفع نیاز های مردم است . با ایجاد کارخانه ها و مراکز تولید صنعتی و کشاورزی اشتراکی ، به صورت وسیع محل های کار ایجاد می شود . در تمام شهرها و دهات کودکستان و مهد کودک ساخته و بخش وسیع نیروی فعال کاری کشورمان زنان هستند، در فعالیت تولیدی شرکت می کنند . دیگر انگیزه و بستری برای اعتیاد به مواد مخدر نیست ، زیرا درآمدی از راه آن وجود ندارد . تمام کوشش ما است که معتادین را که بخشی از مردم جامعه ما می باشند از طریق و روشهای گوناگون درمان کنیم و آنان را برای کار ، تلاش آماده کرده و بهترین شیوه برانگیختن - انگیزه و تشویق ، به جای مجازات و ترد کردن می باشد. آنان بخشی از پیکر جامعه می باشند که مصیبت دیده اند و وظیفه

کشور سوسیالیستی برگشت آنان به آغوش جامعه است و با شور و شوق انقلابی و تقویت روح مبارزه در آنان ، بر علیه بازگشت و کنترل کامل بر اعتیاد مبارزه کرد و مدد کاران و سازمانهای مسنول بهترین دارو را به آنها می دهند و این دارو همان کار و شرکت در فعالیت شغلی می باشد.

در عکسهای زیر، عکس جوانی می باشد که زندگی او به خزان نشست است و تا کی بدن او کشش و تحمل آن همه سم را دارد . هر روز بیشتر با شکست نبرد درونی با اعتیاد ، اراده او شکسته و هر چه بیشتر آفت هروئین او را از درون می خورد . سقوط به دره مرگ با قدمهای خود و اجبار فرهنگی برای آلوده شدن که مبلغ آن رژیم جمهوری اسلامی می باشد. او ترد شده از خانواده و کاتون اجتماع ...

